

بیش از یک هفته از تراژدی هولناک انفجار در اسکله شهید رجایی در بندرعباس می‌گذرد. در عین حضور بسیاری از امدادگران و آتش‌نشانان و تلاش آنها برای اطفای کوچک‌ترین حریق‌ها و جرقه‌ها، اما همه آنها خوب می‌دانند آتش زیرخاکستر همچنان منتظر فرصتی است تا دوباره جرقه بزند و هرچه بر سر راهش هست و نیست را دوباره بسوزاند. برای همین تک‌تک کانتینرهای سوخته و نیمه سوخته در اسکله را به دلیل شدت حرارت بالا با استفاده از بیل مکانیکی باز می‌کنند تا آتش احتمالی را در نطفه خفه کنند. نماینده عالی دولت در هرمزگان هم با تأیید این وضعیت می‌گوید: با فروکش کردن آتش و مهار آتش مهیپی که وجود داشت کار امداد و نجات ادامه پیدا کرد؛ در کنار تلاش‌های آتش‌نشانان، اقداماتی جدی برای مدیریت بحران و جابه‌جایی کانتینرها انجام گرفته است. بندر شهید رجایی ۲۴۰۰ هکتار است که ۱۵ هکتار آن مربوط به منطقه حادثه دیده است و هرچند این نقطه کوچکی در پهنه بندر است ولی مهیپ بودن انفجار و آتش‌سوزی شرایطی را ایجاد کرد که این بحران چندوجهی باشد. امداد و نجات هنوز ادامه دارد و جابه‌جایی کانتینرها باید انجام شود و احتمالاً چند روزی درگیر پاک‌سازی باشیم. البته ممکن است این چند روز حتی به چند هفته بکشد تا وضعیت متعادل شود. از آن آتش مهیپ هیچ چیز جان سالم به در نبرده و تقریباً تمام کالاهای کانتینرها در اسکله به خاکستر تبدیل شده‌اند. نفس کشیدن در چنین فضای مسمومی خود مرگ است، اما هنوز هم بسیاری از امدادگران با لوازم حفاظتی مانند ماسک و کپسول اکسیژن در این منطقه حضور دارند تا با یافتن پیکر جانباختگان مرهم دل خانواده‌هایی شوند که چشم انتظار رسیدن خبری از آنها هستند. بر اساس آخرین آمارها حدود ۹۰ نفر جان خود را به دلیل انفجار از دست داده یا مفقود شده‌اند، اما به گفته برخی شاهدان حادثه هنوز زیر تمام آوارها جست‌وجو نشده و احتمال افزایش آمار جانباختگان وجود دارد. شدت جراحات برخی مجروحان به حدی فحیج است که فرد مصدوم به دلیل شوک ناشی از حادثه متوجه وخامت شرایط جسمی‌اش نیست و فقط به دنبال راه فرار برای نجات خودش است. پیکر بعضی جانباختگان پیدا شده، اما از بعضی دیگر هنوز هیچ خبری نیست و خانواده‌های مفقودان بین زمین و آسمان معلق هستند. از یک سو امیدوارند عزیزشان زنده باشد و از سوی دیگر می‌خواهند با تسریع عملیات جست‌وجو وضعیت عزیز مفقودی‌شان مشخص شود.

نگران وضعیت سمیر هستیم

سمیر عباسی (عزیزی) ۲۳ ساله هم یکی دیگر از کارکنان اسکله است که یک سالی می‌شد در بندر مشغول به کار شده بود. هنوز هیچ خبری از سمیر نیست و جزو مفقودی‌ها به شمار می‌رود. یکی از بستگان سمیر که چند سالی می‌شود در بندر مشغول به کار است، به ما می‌گوید: «ما تقریباً در فاصله ۵۰۰ تا ۷۰۰ متری محلی بودیم که حادثه رخ داد. سمیر به تازگی به محل جدید کارش منتقل شده بود و متأسفانه انفجار در همان محلی رخ داد که سمیر در آنجا مشغول به کار شده بود. روز حادثه داخل ماشینم نشسته بود که یکدفعه و با موج انفجار شیشه تمام ماشین‌ها شکست و سقف‌شان به شدت آسیب دید و همزمان ساختمان اداری هم روی سر کارمندان و مراجعه‌کنندگان آوار شد. اصلاً خبر نداشتیم چه اتفاقی رخ داده و پس از مدتی متوجه فاجعه شدیم و فهمیدیم که از سمیر خبری نیست. الان همگی ما و خانواده‌اش در وضعیت ناگواری هستیم و نمی‌دانیم چه بلایی سر سمیر آمده است. این‌طور فکر می‌کنیم که شاید بیهوش شده یا قدرت تکلم ندارد یا در بیمارستان بستری است. خانواده سمیر هنوز از زنده یافتن او ناامید نشده‌اند و امیدوارند پیدا شود. با این‌که خودم هیچ آسیبی ندیده‌ام اما چند نفر از هم‌شه‌ریانم یا جان‌شان را از دست داده‌اند یا مفقود شده‌اند. با این‌که آتش مهار شده، اما هنوز از برخی نقاط دود بلند می‌شود. هنوز محل آواربرداری نشده و اجساد زیادی در سوله‌ها و همان محوطه‌ای که آتش گرفت، وجود دارد. شرایط بسیار دشواری را می‌گذرانیم و امیدوارم هرچه زودتر خبری از سمیر، سایر مفقودی‌ها و حادثه‌دیده‌ها به خانواده‌های‌شان برسد.»

برادرم زخمی و دایی‌ام فوت شد

پیمان عباسی یکی دیگر از کارکنان و مجروحان این انفجار که در بیمارستان بستری است، دایی‌اش را که او هم در بندر مشغول به کار بود، از دست داده است. وقتی با احسان، برادر پیمان تماس می‌گیریم، مرد جوان حتی توان صحبت کردن هم ندارد و به سختی جملات را ادا می‌کند. او در گفت‌وگو با تپش می‌گوید: «لحظات انفجار همان چیزی است که همه تعریف کرده‌اند و شرایط بسیار دشواری بود. خودم هم در اسکله مشغول به کار بودم و روز حادثه حدود دو کیلومتر به محل انفجار فاصله داشتیم. من فقط صدای انفجار را شنیدم و آسیبی وارد نشد، بیرون که آمدم، پرسیدم محل انفجار کجاست که گفتند همان جایی است که برادرت کار می‌کرد. متأسفانه در این حادثه دایی چهل و چند ساله‌ام به نام رضا دوستی را از دست دادم و برادر ۳۴ ساله‌ام پیمان نیز در بیمارستان بستری است. او حدوداً هشت سالی می‌شد که در اسکله کار می‌کرد. پس از حادثه دنبال مصدومان بودیم که خبر دادند برادرم را به یکی از بیمارستان‌ها منتقل کرده‌اند. برادرم سوختگی نداشت، اما چشم و گوشش آسیب دیده است. پیمان در حال حاضر وضعیت جسمی مناسبی دارد، اما نمی‌تواند صحبت کند. دایی‌ام نیز در همان سوله‌ای که آتش گرفته بود درگیر حادثه شد، در واقع بیشتر فوتی‌ها هم مربوط به همان سوله است. یک روز بعد از حادثه پیکر دایی‌ام پیدا شد که قابل شناسایی بود. برای تشییع پیکر به ایلام آمدم و برادرم را هم برای ادامه درمان در یکی از بیمارستان‌های ایلام بستری کردیم. پسرعمویم نبیل عباسی هم دچار ۶۰ درصد سوختگی شده که هم اکنون در یکی از بیمارستان‌های شیراز بستری است.»

روایت شاهدان و
بندر شهید رجایی از روز حادثه

داغ
انفجار

